سیدنامولانا محمدبن یدعی باقر الداماد الحسینی

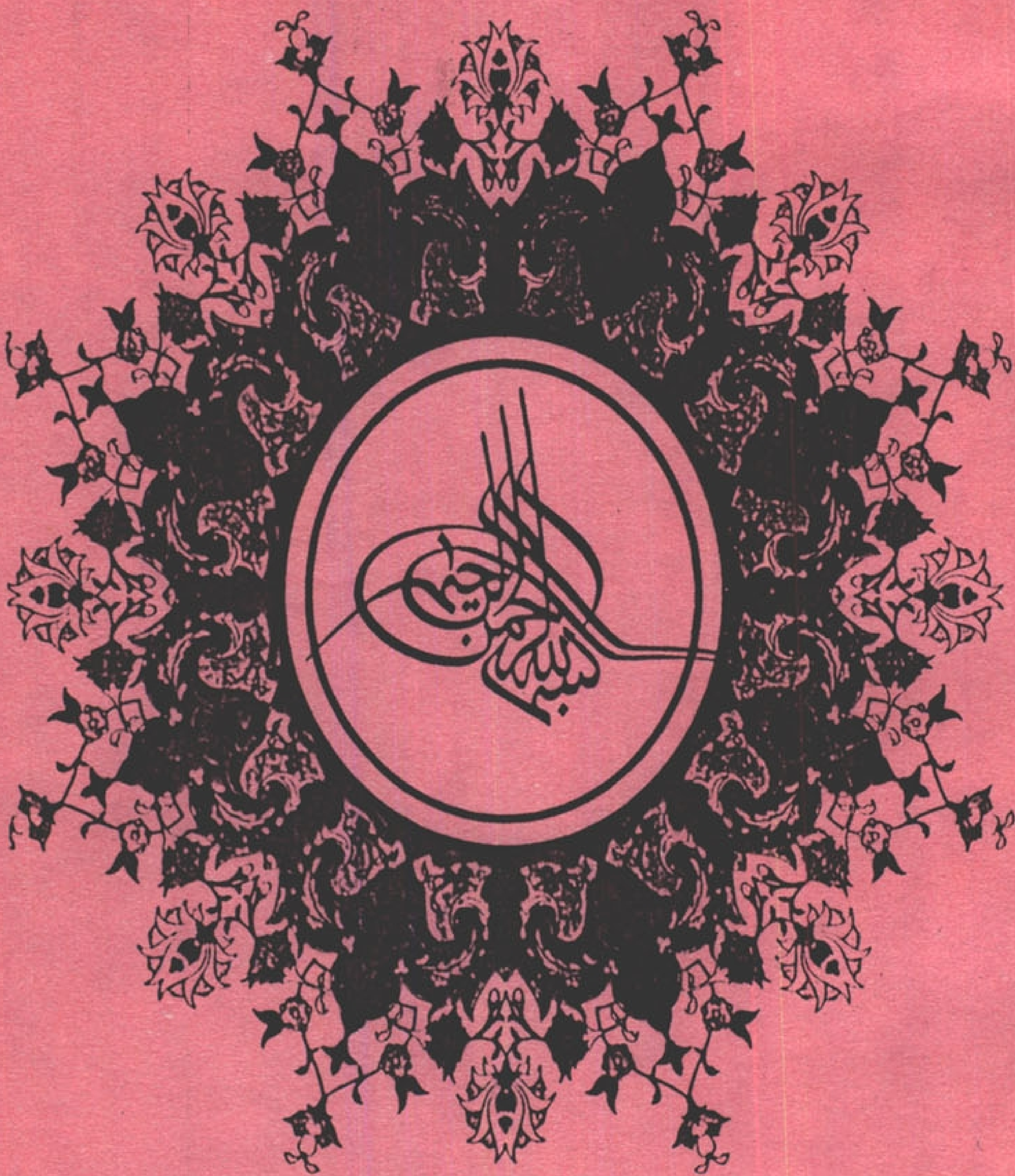
معروف به

میر داماد کبیر

جلد هفتم

خود آموز در علوم وفنون غریبه
در تسخیرات وختومات
واحضارات در جن وانس وموکِل
در ادیعاتِ کارگشایی وبخت گشائی وطَلب فرزند
محبت ورزق وروزی وفروش متاع
فتح وپیروزی وباطل نمودن طلسمات وجادو
دفع گریه اطفال وغیره ...

تهیه وتنظیم : شیخ سعید ترابی


بسم الله الرحمن الرحيم

میرداماد کبیر

از زندگینامه استاد میرداماد اطلاعات دقیق و کاملی در دست نبود به طور مختصر به شرح زندگی آن استاد بزرگوار پرداخته‌ایم

ایشان در استان اصفهان در اطراف شهر نجف آباد در قریه‌ای اصفرآباد چشم به جهان گشود او یکی از دانشمندان علوم الهی و فقه ربانی و ارث علوم انبیاء و اوصیاست میرداماد چند صباحی در قزوین در اردوی محلی تحصیل کرده است. و در سنه ۹۸۸ از قزوین به قصد زیارت مشهد رفته میر دارای تألیفاتی نفیس در حکمت و فقه بوده است و از آنجا با علم علوم غریبه آشنا می‌گردد. گروه زیادی از علما و حکما و عرفا از محضر پر فیض میرداماد بهره‌مند شده‌اند

که هریک از اعاظم علمای زمان خود محسوب می‌شدند از آن جمله ملاصدرا ـ ملامحسن فیض ـ ملاعبدالرزاق لاهیجی شمس الدین گیلانی معروف به ملا شمسا ـ سلطان العلماء ـ شمس الدین اشکوری صاحب محبوب‌القلوب ـ میر فضل‌الله استر آبادی ـ ملا خلیل غازی قزوینی معروف به ملا خلیلا و میر داماد در تشرف به عتبات از دار فانی به سوی خدا شتافت و با اختلاف اینگونه بیان کرده‌اند «عروس علم دین را مرده داماد» ۱۰۴۰ هـ ق یا «عروس علم دین را مرد داماد» ۱۰۴۱ هـ ق و یا کلمه (الراضی) ۱۰۴۲ هـ ق میر داماد داری اشعار عربی و فارسی است و اشراق تخلص میکرده و دیوان فارسی میر داماد در سال ۱۳۵۰ چاپ شده است ملا صدرا در مورد استاد خویش در شرح حدیث اول از شرح کتاب اصول کافی

چنین مینگارد: سیدی و سندی و استنادی در معالم دینیه و علوم الهیه و معارف حقیقه و اصول یقینیه سید اجل عالم مقدس اطهرحکیم الهی فقیه ربانی می‌داند.میر داماد را استاد بشر علامه علما زمان معمار قلوب افاضل و معیارعیون فضایل می‌نامد.

میرداماد از پدر شیخ بهائی و دائی خود عبدالعالی بن علی بن عبدالعالی کرکی دارای اجازه است بنا به استناد در بحار الانوار.

مقدمه:

علوم غریبه علمی میراثی از انبیاء میباشد.

علوم غریبه علمی ناباور و مطمئن و صحیح می‌باشد.

علوم غریبه از برای نجات انسانها و اصلاح زندگی آنها بوجود آمده است و باید از این علم به طرز صحیح استفاده نمود علوم غریبه تنها برای استفادهٔ شخصی و یا آواره کردن و سرگردان نمودن کسی بوجود نیامده است و نیز این علم را هرگز برای منفعت خود و دنیا نیاموزید و موفق نخواهید شد مگر آنکه نیت دل خود را صاف نموده و فقط برای رضای خدا و کاربرد آن برای راضی نمودن حقوق افراد استفاده نمایید.

علم پیشگویی یکی از علوم بسیار قدیمی و ابتداییست.

بشر همیشه در صدد تدوین قوانینی بوده است تا بتواند با آن علم به اسرار زندگی پی ببرد و به آرزوهای خود دست یابد. و در تمام زمانها همیشه در فعالیت و جستجو بوده است.

در قرون اولیه تاریخ بشر، انسانها به وسیلهٔ ستارگان، و سفیده تخم مرغ و بعضی از خطوط دست و از طرق گوناگون و غیره... به عنوان وسیله‌ای استفاده‌می‌کردند. وانسان را از اضطراب و نگرانی خارج می‌ساختند و او را از اخبار آینده مطلع می‌نمودند و به او امید زندگی می‌بخشیدند.

از وسایل علوم غریبه می‌توان رمل را نام برد که این وسیله اعجاز چند پیامبر بوده است از جمله حضرت دانیال نبی و حضرت داوود که با رمل پیامبری خود را به مردم اثبات

می‌کردند.

و عده‌ای هستند که خود را عالم و فاضل در علم علوم غریبه میدانند و با در دست گرفتن ابزار گذشتگان خود را رمال وفالگیر تلقی معرفی می‌کنندو ازنگرانی و مشکلات مردم سوء استفاده میکنند اینان شیاطینی هستند که فقط برای پر کردن جیب خود دست به این اعمال میزنند و حقیقت امر اینچنین نمی‌باشد و این علم فقط برای قوی شدن ایمان انسان و اعتقادات بشر به وجود آمده است.و تنها از ریاضت و عبادت در راه خدا بدست می‌آید و باید هرگز مغرور به خود نشود بلکه ایمان خود را قوی و استوار نماید. و ای طالب این علم اگر میخواهی در این علم تحقیق کنی و از ثمرهای این علم بهره‌مند شوی

باید به نکات زیر توجه داشته باشی.

اول: اعتقاد به خدا که همه چیز و همه کار [illegible]دن او انجام میگیرد.

دوم: باید از فرد عاملی اجازهٔ عمل دریافت کنی.

سوم: عبادت و ریاضت و هر کاری به شما دستور داده شد در نهایت صداقت و خلوص نیت انجام بدهی.

چهارم: همیشه طاهر و پاک باشی و از غیبت و دروغ پرهیز کنی و دل کسی را نرنجانی.

پنجم: در نوشتن تمام تعویذات باید سمت قبله نشسته و از سوی خدا طلب فرج هر مطلب را بکنی

ششم: هرگز این علم را برای طلب دنیا نیاموز و مورد استفاده شخصی خود قرار مده

هفتم: همیشه یقین داشته باش که این علم بسیار مهم و موثر بوده و خواهد بود پس باید قدر آن را دانست.

هشتم: هرگز این علم را به نااهل و جاهل نیاموز.

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور ۳ ورقه سفید و بر روی آنها بنویس طلسم زیر را در ساعت مشتری روز چهارشنبه و بعد هر شب یکی را آتش بزن و داخل هر کدام مقداری شکر بریز و بعد آتش بزنی و چرب کن. قبلاً کاغذ را و آتش بزن.
و این طلسم را باید نوشت

توجه = در پایان عمل ۱۰ فاتحه بر پیغمبر و امام حسین و حضرت عباس و همچنین ۱۰۰ صلوات بفرستاد.

۷۸۶

یا ۱.۳.۳.۵   یا ۱.۳.۳.۵

صا ماهی ححح و

وره فسره ۴.۴.۱۶.۰۰   ۶.۳.۰.۱.۴.۱.۵   ۶.۳.۱.۴

۱.۳.۳.۵ سوختم دل و جان ــــ ح ــــ عاشق و بیقرار
ــــ ح ــــ گردد العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۱.۳.۳.۵   یا ۳۰.۰.۲.۱.۲.۰.۸.۱   یا ۱۱۰.۵.۰.۲۶   یا ۱.۳.۳.۱۵

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور ۳ ورقه سفید و بر روی آنها بنویس طلسم زیر را در ساعت مشتری روز چهارشنبه و بعد هر شب یکی را آتش بزن و داخل هر کدام مقداری شکر بریز و بعد آتش بزنی.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

۱۱۲۸ط۱۹ح

طعمـــــولاجل

فلان ـــ عاشق و بیقرار ـــ فلان ـــ گردد

طل کلـــعلـمـر

مهـ ۷ ۶ ۱۱ م ۹ ص ۱۱۱ ۵۴

یا ۱۰۸۰۲۱۰۲۳۰ یا ۱۱۰ ۷ ۶۲۰

فایده

هر گاه خواستی بجایی برویی و حاجتت روا شود و باید طلسم زیرا را نوشته بر کف دست و سپس زمانی که مقابل شخص قرار گرفتی کف دست را بر سینه بمال و صلوات بر روح محمد (ص) بفرست و در پایان کار بر کف دست ۱۱ مرتبه سوره اذا جاء را باید خواند.

و این طلسم را باید بر کف دست نوشت

۷۸۶



وعلاه ۳ اه اه هم

هم باواه

یا عظمی العجائب یا علی

یا مفتاح الابواب یا فاتح یا باسط

رویت در خواب

هر گاه خواستی مطلب مهمی را درخواب از آن مطلع شوی باید طلسم زیر را هنگام خواب در کف دست نوشته و نیت کند و سپس یک فاتحه برای پیغمبر و ۱۱ مرتبه سوره از لزلت را باید خواند و ۳ شب تکرار کند و در خواب حتماً مطلع می‌شود.

۷۸۶

۱۱۹۱ ۸۷ ۸۸۷ ن ۶۱۶

یا قدوس یا سبوح یا مستطیع

یا شکیکفی یا قاهرو

راضی شدن خانواده با ازدواج

هر گاه کسی به خواستگاری رفت و جواب مثبت نگرفت و خواست خانواده ناراضی، راضی شوند باید طلسم زیر را به زعفران و گلاب بر روی یک ورقه سفید نوشت و سپس آنرا آب کشید و سر راه یا جلو درب منزل مطلوب پاشید و دفن نمود و باید این عمل را در روز پنجشنبه ساعت مشتری انجام دادو در پایان ۱۰۰۰ صلوات هدیه بر روح پیغمبر نمود.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

و لا ۱۱۱ ۹۱۱ ۳۱۱ ۱۱۱ ۸۳ ۸۸۴ ۱۱۱۱ لا ۱۱۱۱ ۹

۱۱۱۱

۶۱ ۱۶ و ۱۱ ک ط ۱۱۱۱

۱۱۱۱

طب

مبارک باد ازدواج

یا شکیکئی یا قاهی

باز کردن مرده بسته

هر گاه خواستی مرد بسته ای را باز کنی باید بیاوری یک ورقه سفید و بر روی آن بنویسی طلسم زیر به زعفران و گلاب در آب شده و بخورد طالب داد.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

بحق لا اله الا الله هو جنان
الله موذن تجارات صوه
اوبه ووو ع ه لایمان یفعان

۱۱ ۱۱ ۳ ۱ ۱۱ و ۱۱۱ ی ۱۱ ک

۱۱۹ ۱۱۱۹ ۳ هر اهو ۱۱۱ ۱۱ هر ۳ یع

گشودم

۱ ۹ ۱ ط ۱۱ ی ۱۱ و لے ع ۱ ۳ ۱ و لا لا لا ۹ ۱۱۱۱

۵ ۱ ۲ ۲ ۱۱ ۹۹ ۱۱ یا باسط کریم

ع ۱۱۱ ۳ ۱ الا ۳ ج ط ۳ و ه ۱۱ ۱۱ ع ا ع

یا ۳۰.. ۲.۱۰۲.۱۰۸۰۱ یا ۱۱۰..۵ ۶۲۰..

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق بیقرار گردانی باید روز یکشنبه هنگام طلوع آفتاب خاتم زیر را بر روی یک ورقه به زعفران و گلاب نوشته و سپس با مقداری روغن گل و شیره و عسل شیرین مخلوط کرده در یک شیشه درب دار ریخته و بعد بیاور ۴۱ دانه فلفل سفید و بر هر کدام یک مرتبه ازلزلت خوانده و داخل شیشه ریخته و عزیمت ناد علی را ۷۲ مرتبه بر روی آن خوانده و بعد درب شیشه را محکم بسته داخل آتش قوی گذاشته.

و این خاتم را باید نوشت

نادعلیا مظهر العجائب ۷۸۶ تجده

عونا لک فی النوائب کل هم و غم سینجلی

ج	ص	ت	غ
۴۰۱	۹۹۹	۱۴۴۹	۸۹
۹۹۸	۳۹۸	۹۲	۵
۹۲	۶	۹۹۷	۳۹۹

محبت

هرگاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور ۷ برگ کاغذ و به ترتیب زیر طلسمات را بر روی ورقه‌ها به عنوان و گلاب در ساعت مشتری روز پنجشنبه نوشته و سپس تک تک و به ترتیب باید در آتش انداخت.

و این طلسمات را باید نوشت:

برگ اول ۷۸۶ و د و د ه	دوم ۷۸۶ ع سوبو	سوم ۷۸۶ رسو وها
چهارم	پنجم صبح عو	ششم
هفتم		

احضار غایب

هر گاه خواستی کسی را از راه دور احضار کنی بیاور یک تکه از لباسش را و سپس بر روی آن بنویس طلسم زیر را و عزیمت ذیل را در روز یکشنبه در ساعت شمس و یا در شبی که ماه هلال کامل است باید نوشت و سپس در آتش انداخت و هنگام نوشتن بخور سوزاند به کندر و مقبل ارزق و صندل سرخ وسوسن لبان و قبل از سوزاندن بر روی تکه لباس ۲۱ مرتبه سوره الفیل را خواند .

و این عزیمت را باید ۲۱ مرتبه خواند .

بسم‌الله الرحمن الرحیم

یا خونخ۳ خواخ۳ شرخخ۳ خولخ۳ خوخ۳ خیاخ۳ اسرعوا

۳ بحق شخشخوخ الحاکم علیکم و بحق هذه السماء

و این طلسم را بر روی تکه لباس نوشت .

۷۸۶

۸۱ ۱۱۱ ۷ ۴ ۲۲

فلان را بدان عمل حب [illegible] و عاشق
و بیقرار فلان را فلان گردد

الوحا ۳ العجل ۳ الساعه ۳

یا ۳۰۰ ۲۰ ۱۰ ۲۰ ۸۰ ۱۰ یا ۱۰۰ ۵۱ ۶۲۰۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور یک قطعه کاغذ سفید و بر روی آن بنویس عزیمت را زیر را به زعفران و گلاب و سپس آنرا در آتش بینداز و این عمل را در روز پنجشنبه یا یکشنبه در ساعت مشتری باید انجام داد.

و این عزیمت را باید نوشت

۷۸۶

فردو ۵ عجلوه الطبتوه العمی العمی سحعیلَ عح دهر

الوحا ۳ العجل ۳ الساعه ۳

فحضر فلان زادفلان عاشق و بیقرار فلان زادفلان گردد

یا ۰۰۳۰۲۰۱۰۲۰۸۰۱ یا ۰۰۱۱۵۰۰۲۶

احضار ملک تلبیس

ملک تلبیس موکل ۷ کوکب می‌باشد و او بر کار کواکب نظارت می‌کند و مسئول است و هر گاه خواستی او را احضار کنی و از او کمک بخواهی در امورات زندگیت باید با نیک کاملاً پاک و با اعتقاد کامل به قدرت و عظمت خدا و با لباس کاملاً سفید یا سبز که تازه باشد و با بدنی با طهارت باشی و درمکانی خلوت دور از مردم و ساکت نشسته و ۱۱ روز به دنبال گرفته و هر روز با عبادت و ذکر اسماء خدایی شروع کرده و به دور خودم مندل کشیده و درب منزل را فراموش نکنی و بعد بخور می‌سوزانی به لبان و کسبره هر روز بر کف دستت در وسطش اسماء زیر را نوشته و بر روی بخور

می‌گیری و شروع بخواندن قسم می‌کنی و نگاه دائم باشد تا آنکه در کف دستت شخص را می‌بینی و با تو صحبت می‌کند باید اصلاً نترسی.

و این اسماء را باید بر کف دست نوشت ☜

طفلوش طفلوش طشیاش طشیاش اهطلیوش اهطلیوش بطروش طلطش طلطش ملطش ملطش طاشوه طاهشوه بارک الله رب العالمین ترکض الملائکه من خیفیه.

و این عزیمت را باید بر کف دست خواند ☜

اقسمت علیکم باخدام هذه الاسماء برب النار و النور و الغال و الحرر و الملائکه و الطور و کتاب مستور فی رق منشور و البیت المعمور و السقف المرفوع این عذاب ربک لواقع ماله من دافع .

شمیر شمیر شمیر شمیر برش برش درس
درس ملاق ملاق ربیح ربیح تجاویت
الاوفتی و تحرقت الاحجار و تلامامت البحار
و تزلزلت اقدام الجان باذن الملک القهار
کذالک یا خادم هذا الیوم (فلان ملک الیوم
الذی أنت فیه) أنت و أعوانک تأنی انی
مکانی و تسمع کلامی و عزیمتی و تلبس
المکف الخ سریعاً طام امین الاسماء الله من
تخلف منکم فکانما خر من المساء فشخطف
الطیر أو تهوی به الریح فی مکان سحیتی
الوحا العجل الساعه بارک الله فیکم و
علیکم.

و هر گاه از عمل خود منصرف شدی و
نخواستی ادامه بدهی باید حتماً انصراف نامه
را بخوانی و برای این عمل سوره الزلزله و

آخر سوره جمعه را ۱۱ مرتبه بخوان و بـــگو که خداوند از عمل خودم منصـــرف شـــدم و بعد از منزل بیرون می‌آیی.

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور یک قطعه کاغذ سفید یا پوست آهو و بر روی آن طلسم زیر را و بر شاخه‌ای درخت در جنگل آویزان کند تا باد او را تکان دهد و در ساعت مشتری روز چهارشنبه باید نوشت.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

بحق یا اسرافیل

عاشق و بیقرار گردد

الساعة ۳ الوحا ۳ العجل ۳

یا ..۱۰۲.۳۰ ۱۰۸۰۲ یا ..۱۱۰ ۵ ..۶۲۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور یک قطعه ورقه مسی قرمز و بر روی آن بنویس طلسم زیر را با میخ فولادی و سپس آنرا باید در آتش انداخت و این عمل را باید روز یکشنبه ساعت شمس نوشت و یک مرتبه هم روز جمعه ساعت زهره یک بعد ازظهر تکرار کرد.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

ط ۸۱ [illegible] ۱۱۲ [illegible] ۲۱۱

[illegible] ۱۱ ۱۱ ۱۱ [illegible]

[illegible] ع ط ووو [illegible] ۱۱ [illegible]

الوحا ۳ مرتبه العجل ۳ مرتبه الساعه ۳ مرتبه

یا ۱۰۸۰۲۰۱۲۰۳۰۰ یا ۶۲۰۰۵۱۱۰۰

فایده

هر گاه کودکی کم خواب بود و خواستی بخواب برود عزیمت زیر را نوشته بر روی یک برگ کاغذ و زیر سر کودک بگذارد و در ساعت مشتری باید نوشت.

و این عزیمت را باید نوشت

۷۸۶

سلو سح	سمع	صلم ۲۵	هعد منه
صلمه طلاه	عله	طسه	اجیب

بسم الله الرحمن الرحیم

اعطاتش ۳ مرتبه عطموش ۳ مرتبه ولطموش ۳ مرتبه وللما ۳ مرتبه فلان زاده فلان بخوابد و آرام گردد

یا شکیکغی یا قاهر

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت بیقرار گردانی بیاور یک عدد تخم‌مرغ محلی تازه و بر روی آن بنویس طلسم زیرا و بعد آنرا در نیمه شب در آتش گذاشته و سپس لاشه تخم‌مرغ را سه راه مطلوب باید دفن کرد و این عمل را روز پنجشنبه ساعت مشتری انجام داد.

و این طلسم را باید نوشت ☜

۷۸۶

ـــــ او ـــــ عاشق و بیقرار ـــــ او ـــــ گردد

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور ۳ ورقه سفید و بر روی آنها بنویس طلسم زیر را در ساعت مشتری روز چهارشنبه و بعد هر شب یکی را آتش بزن و داخل هر کدام مقداری شکر بریز و بعد آتش بزنی. و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

طلح ۱۱ ۴۹ ۱۱ ۱

هرا و ۱۳ ۱۸ ۲

صح

۸ ۱۱ ۴ ۴ ۶ ۱۱ ۲۲

العجل ۲ الساعة ۳ الوحا ۳ العجل

یا ۲۰۰ ۱۰۲ ۱۰۲ ۱۰۸۰ یا ۱۱۰۰ ۵۱۱۰۰ ۶۲۰۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور یک عدد سفال آب ندیده و بر روی آن بنویس طلسم زیر را و بعد آن را باید در شب در آتش قوی گذاشت و این عمل را باید در روز یکشنبه ساعت شش نوشت.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

طه ۱۶۱۱۱ و ا حا ۱۱۸۱ م

فلان زاده فلان علی حب لشدید عاشق بیقرار فلان زاده فلان گردد.

الوحا ۳ مرتبه العجل ۳ مرتبه الساعه ۳ مرتبه

یا ۰۰۳۰۲۰۱۰۲۸۰۱ یا ۶۲۰۰۵۱۱۰۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را عاشق خود گردانی بیاور یک قطعه سفال آب ندیده و بر روی آن طلسم زیر را نوشته و سپس آنرا در آتش انداخته.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

عحع عحع عحع عحع عحع عحع عحع
ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع
له له له له له له له له له له له له له له له

۷۷۱۹۹ ﻛ ﻟﮯ الر ۱۱۱٥۱ ۱٥۱٥۱٥۱٥۱٥۱۱

۱۱۱۸ ٥۱٥۱٥ فلان را فلان علی

الوحا ۳ مرتبه العجل ۳ مرتبه الساعه ۳ مرتبه

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور بیاور یک قطعه ورق سفید و به زعفران و گلاب طلسم زیر را نوشته و سپس چرب کرده و تنها و مکانی خلوت در آتش انداخت و باید در ساعت مشتری روز پنجشنبه اول ماه انجام داد.

و این طلسم را باید نوشت ☜

۷۸۶

۱۱۱۳۲ هـ ۶۶۶۱۱۱ سمر سمر الوحی فلان زاده فلان

۱۱۰۷۷ اود ۱۱۱۱۹۱ ۳ م ط ۸ ضی خردا م عرفه ام

و امر ع ۶ ام الحب باد س له کس و له ولد - ۲

۱۱۱ سه ۶۹ اله ار ۱۱ لا او ۱۱۸۲۳۱۱ ع فلان زاده فلان

عاشق بیقرار گردد لا ۴ حوع ۱۱۱ حه ۱۱۱۱۱۱ او ۶

الوحا ۳ مرتبه العجل ۳ مرتبه الساعه ۳ مرتبه

یا ۱۰۸۰۲۰۱۰۲۰۳۰۰ یا ۶۲۰۰۵۱۱۰۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور یک ورقه سفید و بر روی آن بنویس طلسم زیر را به زعفران و گلاب و بعد از آنرا در مکان یا سر راه مطلوب باید دفن نمود و این عمل را باید در روز پنجشنبه ساعت مشتری انجام داد.

و این طلسم را باید نوشت

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۱۱۱۹۸۱۱۱۹ م ۱۱ و لا ۱۱۱۱ و ۲۱ علی سقکی

وط ۱۱۱ لا ال تما التا

فلان زادفلان علی حب لشدید و عاشق و بیقرار فلان زادفلان گردد.

الوحا ۳ مرتبه العجل ۳ مرتبه الساعه ۳ مرتبه

جدایی

این عمل را انجام نمی‌دهی مگر آنکه شخص مستحق آن باشد

هر گاه خواستی بین دو نفر که با هم رابطه حرام دارند جدایی بیفکنی بیاور ۳ برگ کاغذ آبی رنگ و با سرکه و نیل و آب حنضل بنویس طلسم زیر را بر روی ورقه‌ها و بعد آنها را صبح زود در آب روان بینداز و این عمل را باید در آخر ماه روز سه شنبه صبح زود در ساعت زحل انجام داد و هنگام نوشتن بخور کرد به زردچوبه و باید در پایان ۲۱ مرتبه سوره الفیل را بر روی هر کدام از ورقه‌ها خواند و بعد در آب روان انداخت.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

ص

قسططقع ۳ مرتبه فتحطیفع ۳ مرتبه مشفطفع ۳ مرتبه حملکح ۳ مرتبه شلسفیع ۳ مرتبه صحبوح ۳ مرتبه کیبوع ۳ مرتبه فلان

فلان بن فلان
زاد فلان علی بغض فطشمیع ۳ مرتبه لطشلفیع ۳ مرتبه طشفیع

۳ مرتبه شفلفلع ۳ مرتبه

۱۱۱ ط ۱۱۱ ح ۴۰۹ یا جبار ۱۳ مرتبه یا اجهزط ۳ مرتبه یا

قهار ۳ مرتبه یا قابض ۱۳ مرتبه.

جدایی

این عمل را انجام نمی‌دهی مگر

آنکه شخص مستحق آن باشد

هر گاه خواستی بین دو نفر که رابطه حرام دارند جدایی بیفکنی باید بیاوری ۳ قطعه سنگ از رودخانه و بر روی هر کدام طلسم زیر را یک مرتبه نوشته و بعد در آتش قوی بیندازی و این عمل را در روز شنبه ساعت زحل آخر ماه باید و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

۱۶۱۸۸۱۱۱۱۱۹۱۱۱۳۹۵ ۱۹۳۶۳

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۲۰۳۰۰ ۱۰۲ ۱۰۸۰۲ ۱۰ یا ۱۱۰۰ ۶۲۰۰

بیمار و گرفتاری دشمن

این عمل را انجام نمی‌دهی مگر آنکه شخص مستحق آن باشد.

هر گاه خواستی ظالمی را بیمار و گرفتار کنی بیاور یک دیک یا قابلمه بر کفش عزیمت زیر را نوشته و بعد آن را پر از آب کرده و بر روی آتش گذاشته و این عمل را باید روز سه شنبه ساعت زحل آخر ماه انجام داد و هنگام نوشتن زردچوبه بخور کرد.

و این عزیمت را باید نوشت

۷۸۶

فلما اجاء اسر ناعایها سافلها و احطرنا علیهم حجارة من سجید منصور مومومه عند ربک و ماهی من الظالمین بعید فلان زلفلان بیمار و آواره گردد.

یا ۱۰۸۰۲۱۰۲۳۰۰ یا ۶۲۰۰۸۱۱۰۰

تفریق

این عمل را انجام نمی دهی مگر

آنکه شخص مستحق آن باشد

هر گاه خواستی بین دو نفر که با هم رابطه حرام دارند جدایی بیفکنی بیاور ۲ ورقه کبود مایل به مشکی با قلم مشکی بر روی آن بنویس طلسم زیر را و سپس ورقه‌ها را جلو درب منزل یا سر راه طرفین دفن کن و این عمل را باید در ساعت زحل روز شنبه آخر ماه انجام داد و دِر پایان بر روی ورقه ۲۱ مرتبه سوره فیل را خواند.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

بحق یا قابض

بحق یا قهار

جدایی

این عمل را انجام نمی دهی مگر

آنکه شخص مستحق آن باشد.

هر گاه خواستی بین دو نفر که رابطه حرام دارند جدایی بیفکنی باید طلسم زیر را بروی غذای سگ نوشته و بخورد یک سگ ماده داد و این عمل را باید روز سه شنبه ساعت زحل آخر ماه انجام داد و هنگام نوشتن زردچوبه بخور کرد.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

۶ سهال لح عصه لحلواص بلوو

لحلسهم ۱۱۱۱۸۶ طسم صع لحسوا

لهحموج اسمعان کل العلا

۲۲۴ ما کملح ۸

۶۸۸ ۱۱ بحق یا قهار علی بغض لشدیه

یا ۳۰۰ ۲ ۱۰۲ ۸۰۲ ۱ یا ۱۰ ۱۱ ۵ ۲۰۰ ۶

عزل حاکم

این عمل را انجام نمی‌دهی مگر

آنکه شخص مستحق آن باشد

هر گاه خواستی حاکم ظالمی را عزل کنی و یا آنرا آواره کنی باید برای این عمل بیاوری یک عدد سفال که خاک سیاه درست شده باشد و سپس و بر روی آن آیه زیرا نوشته در ساعت زحل در روز شنبه در آخر ماه و باید به نیت درست انجام داد و هنگام نوشتن باید بخور کرد به زردجوبه و با طهادت و لباس پاک انجام داد و در دهان خوراکی تلخی باید در دهان گرفته و انجام بدهد و سپس سفال را در جلو درب منزل یا محل کارش در سر راه شخص ظالم دفن نمود.

و این آیه را باید بر روی سفال نوشت ☜

بسم الله الرحمن الرحیم

ان یمسسکم قرح فقد مسس القوم قرح مثله و تلک الایام ندا
و لها بین الناس و لیعلم الله الذین آمنو و یتخذ منکم شهداء و
الله لا یحب الظالمین و لیمحص الله الذین آمنو و یحق
الکافرین یا جبار ۱۳ مرتبه

یا شکیکفی یا قاهرو

مومیایی و خاصیت آن

مومیایی از چشمه‌ای برون می‌آید، و بمقـل مـانند است. و او را بضعی از حکما شمع الماء گویند. از آنچه به گداختن و نرمی چون موم است.

و او از جملـه کبـار ادویـه اسـت، و لایـق خزانـهٔ ملوک و سلاطین و بعضی گویند چشمه‌ای اسـت در غاری بـه مـهر پادشاه آن موضـع کـه چشـمه دروسـت. هـر سـال بـه وقـت تابسـتان در غـار بگشنایند و دامی چون غربالی دائـم پیـش چشـمه نهاهده اند، آنچه گرد آید در همه سال، به حضـور مشرف پادشاه بر دارند.

و قومی برآنند که در زمین مغرب و فرنگ در کلـهٔ سر آدمی می‌یـابند، تبـاه شـده. ایـن مومیـایی بـه حقیقـت مجـرب اسـت، چـه ایـن عمـل صنعـت یونانیان است که مومیایی از چشمه می‌گیرند. و از کلهٔ سر آدمی و بعضی از اعضـاء آدمـی گیرنـد. و

اعضاء آدمی در میان انگبین در صندوقی سنگین مدت یک هزار سال در زیر خاک پنهان می‌کنند. از آن مومیایی حاصل می‌شود، به غایت نیکو مجرب.

خاصیت او آنست که شکستگی و کوفته شدن اعضاء را به غایت موافق و مجرب است.

و امتحان او آنست که جگری را با کارد ببرند، و مومیایی را در روغن کنجد حل کنند، و موضع بریدگ‌ی جگر به کارد را به آن ملطخ کنند، اگر جگر در کارد آویزد نشان نیکویی آن باشد، و اگر نی‌نی.

و آن را در شیر نیم گرم دهند، اگر مانعی نباشد از دادن شیر، چون تب و غیر آن، شربتی از او قیراطی باشد.

فی‌الجمله، در مومیایی سخن بسیار گفته آنچه مجرب است این است.

بیمار و گرفتاری ظالم

این عمل را انجام نمی‌دهی مگر آنکه شخص مستحق آن باشد.

هر گاه خواستی ظالمی را آواره و بیمار گردانی بیاور یک دیک و قابلمه و بر کف آن عزیمت زیر را نوشته و بعد آن را پر از آب کرده و بر روی آتش گذاشت و این عمل را باید روز سه شنبه صبح زود ساعت زحل آخر ماه انجام داد و هنگام نوشتن زردچونه بخور کرد و با طِهارت کامل باشی.

و این عزیمت را باید نوشت

۷۸۶

کذالک اخذ ربک و اخذاالقربیٰ و هی و هی ظالمة ان اخذه اسمه شدید فلان زادهٔ فلان بیمار و آواره گردد

۱۰۸۲۰۱۰۲۰۳۰۰ یا ۶۲۰۰۵۱۱۰۰

عزل و آواره گی

این عمل را انجام نمی‌دهی مگر

آنکه شخص مستحق آن باشد

هر گاه خواستی ظالمی را عزل و آواره گردانی بیاور یک قطعه استخوان مرده و بر روی آن بنویس طلسم زیر را و بعد آنرا در جلو درب منزل مطلوب دفن کند و این عمل را باید در روز سه‌شنبه در آخر ماه ساعت زحل انجام داد و کفاره جداگانه به ۷ یتیم داد.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸

آ ہمی ۲ اسمن حح ||||

۶۶۶ ع ع ا صم ا مهما لمر هج ||| ۸ ۸ ط |||

عزل و آواره گردد

آ رمص بمص او هم ۸۱ ۹ ۸۱۱ ۸ ۶ ۹ ۱ ه ط

یا ۱۰۲،۳۰۰، ۱۰۸۰۲ یا ۱۱۰۰، ۶۲۰۰

عزل و آواره گی

این عمل را انجام نمی‌دهی مگر آنکه شخص مستحق آن باشد

هر گاه خواستی ظالمی را عزل و آواره گردانی بیاور یک قطعه فلز قلع یا سرب و بر روی آن طلسم زیر را نقش کرده با میخ فولاد و بعد آنرا در جلو درب منزلش یا سر راهش دفن کن و هنگام نوشتن باید زردجوبه بخور کرد و در پایان ۲۱ مرتبه سوره ازلزلات را بر روی آن خواند و ۷ مرتبه هم سوره الفیل را و با طهارت کامل باشی.

و این طلسم را باید نوشت



جدایی

این عمل را انجام نمی‌دهی مگر آنکه شخص مستحق آن باشد

هر گاه خواستی بین دو نفر که رابطه حرام دارند جدایی بیفکنی بیاور یک عدد خشت خام و بر روی آن بنویس عزیمت زیرا و بعد آنرا در منزل یکی از طرفین بینداز و این عمل را باید در روز سه‌شنبه ساعت زحل انجام داد و هنگام نوشتن زردجوبه بخور کرد و در پایان کار ۲۱ مرتبه سوره الفیل را بر روی آن بخواند.

و این عزیمت را باید نوشت

بسم الله الرحمن الرحیم
والقینا بینهم والعداوة والبغضاء الی
یوم القیامة اللهم ترى هولاء مالهم فیه
و ما کانوا یعلمون ــــ علی بغض لقربه ــــ

یا شکیکفی یا قاهر

اشکال نصف شمالی

اول دب الاصغر خرس کوچک است و آنرا نبات النعش صغری نیز گویند

کواکب داخل اینصورت اندوه از آن در قدر و دوم دیک و قدر سوم که آنرا جدی گویند و چهار ازان در قدر چهارم اند و یک کوکب از قدرچهارم خارج این صورت است

دوم دب الاکبر و آنرا نبات النعش کبری گویند

و آن صورت خرس کلان ست بست و هفتَ کواکب داخل این صورت اند شش از ان در قدر دوم و هشت ازان در قدر پنجم و در نبات النعش کبری بعد صورت مستطیل سه ستاره دیگراند که در ستاره وسطی نهایت خرد تر بقدر صغر بدو پیوسته آنرا سها نامند و بدیدن آن تیزی روشنی چشم دریابند سوم تنین و آن از دههاست پیچ پیچ سی و یک کواکب داخل این صورت اند هشت از آن در

قدر سوم و شانزدهم در قدر چهارم و پنج از آن در قدر پنجم و دو از آن در قدر ششم چهارم قیقاؤس مغرب کیکاوس و آن بصورت مردی ایستاده و دستها کشاده یازده کواکب داخل این صورت اند یکی از آن در قدر سوم وهفت ازان در قدر چهارم و سه در قدر پنجم پنجم عواد آن بصورت مردیست ایستاده و بهر دو دست ماری گرفته بست و دو کوکب داخل اینصورت اند چهار ازان در قدر صسوم و نه از ان در قدر چهارم و نه ازان در قدر پنجم و خارج اینصورت یک کوکب است از قدر اول آنرا سماک رامح گویند ششم فکه و آنراالکلیل شمالی نیز گویند

و آن بصورت کاسه ایست هست کواکب داخل اینصورت اند و یکی از ان در قدر دوم ست و پنج از آن در قدر چهارم و یک از ان در قدر ششم هفتم جایی و آن بصورت مرویست هر دو دست خود دراز کرده بزانو درآمده بست و

پنج کواکب داخل اینصورت اند شش ازان در قدر سوم و هفتده در قدر چهارم دو و ازان در قدر ششم و یک کوکب بقدر پنجم خارج اینصورتست هشتم شلیاق و آن بشکل بربط است ده گواکب داخل اینصورت اند یک ازان در قدر اولست و آنرا نسر واقع گویند و دو ازان در قدر سصوم و هفت از ان در قدر چهارم نهم ذجاجه و آن بصورت مرغیست گردن دراز هفتده کواکب داخل اینصورت اند یکی ازان در قدر دوم و پنج ازان در قدر سوم و نه ازان در قدر چهارم و دو ازان در قدر پنجم و دو کوارکب در قدر چهارم خارج اینصورت‌اند و هم ذات الکرسی و آن بصورت زنی ست بر کرسی نشسته سیزده کواکب داخل این صورت اند چهار ازان در قدر سوم و شش ازان در قدر چهارم و یکی ازان در قدر پنجم و دو ازان در قدر ششم یازدهم بر شاوش و آنرا حامل راس‌الغول نیز گویند و آن مردیست بر پای چپ ایستاده و پای راست برداشته و دست

راست بالای سر برآورده و سر غولی بدست چپ گرفته
بست و شش کواکب داخل اینصورت اند دو ازان در قدر
دوم یکی ازان دو کوکب راس الغول گوبند و پنج کوکب
در قدر سوم و شانزدهم کوکب در قدر چهارم و دو کوکب
در قدر پنجم و یکٔ کوکب در قدر ششم است دوازدهم
ممسکٔ العنان و آن بصورت مردیست ایستاده در دستی
تازیانه و بدست دیگر عنان گرفته چهارده کواکب داخل
این صورت اند یکی ازان در قدر اول و آنرا عیوق خوانند
ویکٔ کوکب در قدر دوم و دو کوکب در قدر سوم وهفت
کوکب در قدر چهارم و دوکوکب ذر قدر پنجم ویکٔ
کوکب در قدر ششم سیزدهم حوا و آن بصورت مردیست
ایستاده و بهر دو دست ماری گرفته و بست و چهار کوکب
داخل اینصورت اند پنج ازان در قدر سوم و سیزده در قدر
چهارم و شش در قدر پنجم و پنج کوکب در قدر خارج
این صورت اند چهاردهم حیّه الحواد و آن بصورت ماری

ست هیجده کوکب داخل اینصورت اند پنج از آن در قدر
سوم و دوازده در قدر چهارم و یکی در قدر پنجم پانزدهم
سهم و آن بصورت تیریست پنج کوکب داخل اینصورت
اند یکی ازان در قدر چهارم و سه کوکب در قدر پنجم و
یکی ازان در قدر ششم شانزدهم عقاب و آن بصورت
کرکس است در پرواز کوکب داخل اینصورت اند یکی
ازان در قدر دوم که آنرا نسرطائر گویند و چهار ازان در
قدر سوم و یک کوکب در قدر چهارم و سه کوکب در قدر
پنجم و خارج اینصورت شش کوکب اند چهار ازان در قدر
سوم و یکی ازان در قدر چهارم و یک کوکب در قدر پنجم
هفتدهم دلفین و آن بصورت حیوانیست بحری ده کوکب
داخل این صورت اند پنج ازان در قدر سوم و دو سوم و دو
ازان در قدر چهارم و سه در قدر ششم هیجدهم قطعه‌الفرس
و آن به صورت مقدم اسپ است چهار کوکب خفیهٔ داخل
این صورت اند نوزدهم فرس اعظم و آنرا ذوجناحین نیز

گویند و آن بصورت اسپی است تاکمر بست کوکب داخل اینصورت اند چهار ازان در قدر دوم و چهار کوکب در قدر سوم و نه ازان در قدر چهارم و سه کوکب در قدر پنجم بستم مرآه المسلمه و آن بصورت زنی ست پا بزنجیر بست و سه کوکب داخل این صورت اند چهار ازان در قدر سوم و پانزده کوکب در قدر چهارم و چهار در قدر پنجم بست و یکم مثلث و آن بصورت مثلث متساوی الساقین است چهار کوکب داخل این صورت‌اند سه کوکب ازان در قدر سوم و یک کوکب در قدر چهارم این بست و یک اشکال در نصف شمالی آسمان واقع‌اند.

اشکال منطقه البروج

اکنون دوازده اشکال منطقه البروج که آنرا بروج اثنا عشر گویند

اول حمل و آن بصورت گوسفندی‌است دو شاخ دارد و سر آن بطرف مغرب و پای آن جانب مشرق و شکم بطرف جنوب و پشت بجانب شمال و رو بطرف پشت دارد و گویا پشت خود میخارد و سیزده کواکب داخل این صورت اند دو ازان در قدر سوم و چهار ازان در قدر چهارم و شش کوکب در قدر پنجم و یکی ازان در قدر ششم

دوم ثور و آن بشکل مقدم گاوست گویا سینه بریده شده سرش جانب مشرق و موخر او جانب مغرب و کواکب نفس

اینصورت سی وده اند یکی ازان در قدر اول اسن و آنرا
یمین الثور و بر آن نیز خوانند و شش ازان در قدر سوم و
یازده ازان در قدر پنجم و یک کوکب در قدر ششم و عقد
ثریا که آن هفت ستاره مجتمعه بجای کوهان ثورست

سوم جوزا و آن بصورت دو طفل توامان است کواکب
نفس ینصورت هیجده‌اند دو ازان در قدر دوم و آنها را
راس‌التوابین گویند و پنج کوکب در قدر سوم و نه کوکب
در قدر چهارم و دو کوکب در قدر پنجم

چهارم سرطان و آن بشکل خرچنگ است مقدم او بطرف
مشرق و موخر آن جانب مغرب و کواکب نفس اینصورت نه
انده فت از آن در قدر چهارم و یک ازان در قدر پنجم و
یک ازان در قدر ششم پنجم و یک ازان در قدر ششم

پنجم اسد . آن بصورت غیرست سر آن بطرف مغرب و
پشت آن جانب شمال کواکب نفس اینصورت بست و هفت
اند و از آن در قدر اول یکی را قلب الاسد و دیگری را

صرف ذونب الاسد گویند و دو کوکب در قدر دوم و شش کوکب در قدر سوم و هفت کوکب در قدر چهارم و پنج کوکب قدر پنجم و چهار کوکب در قدر ششم

ششم سنبله و آنرا عذرا نیز گویند و آن بشکل زنی ست دامن فرو هشته دست چپ بر پهلو نهاده و بدست راست خوشه گرفته کواکب اینصورت بست و شش اند یکی ازان در قدر اول و شش ازان در قدر سوم و هفت ازان در قدر چهارم و ده در قدر پنجم و دو در قدر ششم

هفتم میزان آن بشکل ترازوست دو کفه آن جانب مغرب و عمودآن جانب مشرق و کواکب نقش اینصورت هشت‌اند دو ازان در قدر دوم و چهار در قدر چهارم و دو در قدر

هشتم عقرب و شکل آن بشکل گژدم است سرش جانب مغرب دوم او بسوی مشرق مائل بجنوب کواکب نفس این صورت بست و یک اند کی از آن در قدر دوم ست و آن را

قلب العقرب گویند و سیزده در قدر سوم و پنج کوکب در قدر چهارم و دو کوکب در قدر پنجم

نهم قوس و آن ذو جسدینست یعنی موخز و از گردن صورت چهارپایه در مشرق و مقدمه او بصورت مردی که دستار با طره‌های متعدد بر سر دارد و تیری بر کمان نهاده می‌کشد کواکب نفس این صورت سی و یک اند و ازان در قدر دوم و نه در قدر چهارم و سیزده کوکب در قدر پنجم و دو کوکب در قدر ششم

دهم جدی نیمهٔ مقدم آن بشکل مقدم بز کوهیست و نیمهٔ موخر بصورت موخر ماهی سرو دستهای او جانب مغرب و پشت آن جانب شمال کواکب نفس این صورت بست و هشت اند چهار ازان در قدر سوم یکی را ازان چهار کوکب ذنب الجدی گویند و نه در قدر چهارم و نه در قدر پنجم و شش کوکب در قدر ششم اند

یازدهم دلو و آن مرویست ایستاده سر او بجانب شمال و پای او طرف جنوب و در دست او کوزه ایست که آب ازان میرویزد و از زیر پای او میرود و کواکب نفس این صورت چهال و دواند یکی ازان در قدر اول و آن قمرالحوت جنوبی است و نه کواکب در قدر سوم دهیزده در قدر چهارم و سیزده در قدر پنجم و یک در قدر ششم

دوازدهم حوت در آن بشکل دو ماهی هست یکی ازان سر بطرف مغرب و دم جانب مشرق و دوم را سر بشمال و دم بجنوب است کواکب نفس اینصورت سی و چهاراند دو ازان در قدر سوم و بست و دو کوکب در قدر چهارم و سه کوکب در قدر پنجم و هفت کوکب در قدر ششم اینهمه دوازده اشکال مذکوره منطقه البروج است+

اشکال نصف جنوبی

پانزده اشکال نصف جنوبی هست

اول قیطس و آن بصورت حیوان بحریست بست و دو کوکب داخل اینصورت اند دو ازان در قدر سوم و هشت ازان در قدر چهارم و چهار ازان در قدر پنجم

دوم جبار و آن بصورت مرویست بر کرسی نشسته با کمربند و شمشیر و عصا در دست دارد سی و هشت کواکب داخل اینصورت اند دو ازان در قدر اول اند و چهار ازان در قدر دوم و هشت در قدر سوم و پانزده در قدر چهارم و سه در قدر پنجم و شش کوکب در قدر ششم

سوم نهر و آن بصورت جوی است سی و چهار کواکب داخل اینصورت‌اند یکی از ازان در قدر اول و پنج در قدر سوم و بست و شش در قدر چهارم و دو در قدر پنجم

چهارم ارنب آن بصورت خرگوس ست و دوازده کواکب داخل این صورت اند و از آن در قدر سوم و شش در قدر چهارم و چهار در قدر پنجم

پنجم کلب الاکبر و آن بصورت سگیست دونده هیجده کواکب داخل این صورت اند یکی ازان در قدر اول و پنج از آن در قدر سوم و پنج در قدر چهارم و هفت در قدر پنجم

ششم کلب الاصغر دو کواکب داخل این صورت اند یکی ازان در قدر اول و دوم در قدر چهارم

هفتم سفینه و آن بصورت کشتی ست چهل و پنج کواکب داخل این صورت اند یکی از آن در قدر اول و آنرا سهیل خوانند و شش ازان در قدر دوم و یازده در قدر سوم و نوزده در قدر چهارم و هفت از آن در قدر پنجم و یکی در قدر

ششم هشتم شجاع و آن بصورت ماربزرگیست بست و پنج کواکب داخل این صورت اند یکی از آن در قدر دوم و آنرا فتق‌الشجاع گویند و سه ازان در قدر سوم و نوزده در قدر چهارم و یکی در قدر پنجم و یکی در قدر ششم

نهم کاس و آن بصورت پیاله ست هفت کواکب در قدر چهارَم داخل اینصورت اند و

دهم غراب بصورت کلاغ است هفت کوکب داخل این صورت‌اَند پنج ازان در قدر سوم و یک در قدر چهارم و یک در قدر پنجم

یازده هم قنطورس و آن بصورت حیوانیست که مقدم آدمی‌ست و موخر او مثل موخر اسپ سی و هفت کواکب داخل اینصورت‌اند یکی ازان در قدر اولست آنرا رجل‌القنطورس گویند و پنج ازان در قدر دوم و هفت در قدر سوم و شانزده در قدر چهارم و هشت کواکب در قدر پنجم

دوازدهم فریب و آنرا سبعه نیز گویند و آن بصورت حیوانیست درنده نوزده کواکب داخل اینصورت‌اند دو ازان در قدر سوم و یازده در قدر چهارم و ششم در قدر پنجم

سیزدهم مجمره و آن بصورت آتش دانست هفت کواکب داخل این صورت اند پنج ازان در قدر چهارم و دو در قدر پنجم

چهاردهم اکلیل جنوبی و آن شکل صنوبری دارد سیزده کواکب داخل این صورت اند پنج در قدر چهارم و شش در قدر پنجم و دو قدر ششم

پانزدهم سمکه و آنرا حوت جنوبی خوانند و آن بصورت ماهی بزرگیست یازده کواکب داخل این صورت اند نه ازان در قدر چهارم و دو در قدر پنجم این همگی چهل و هشت اشکال را حکمای سلف و حکیم بطلمیوس بیان کرده و حکمای متاخرین فرنگستان پیروان فیثاغورث چند ثوابت دیگر دریافته اند که اشکال آن بذیل تفصیل می‌یابد

اول حمام النوج درین شکل یک ستاره قدر اول و یک کوکب قدر سوم است

دوم ققنس یا عنقا درین شکل یک ستاره قدر ثانی و یک کوکب قدر ثالث است.

سوم غرنوق که درین شکل یک کوکب قدر ثانی و یک کوکب قدر ثالث ست

چهارم طاؤس درین سه ستاره قدر ثالث است

پنجم مثلث جنوبی درین شکل یک ستاره قدر ثانی و دو ستاره قدر ثالث است

ششم صلیب الجنوبی درین شکل یک ستاره قدر ثانی و یک ستاره قدر ثالث است

هفتم شبکه و آن شبیه بشکل معین ست

هشتم ذیاب جنوبی

نهم الفرجا را اینهمه نه اشکال قریب قطب جنوبی اند و سوای آن دیگر اشکال در وسط دریافته اند که نامهای آن

بدین تفصیل ست شترگاوپلنگ اسد اصغر کرفش ثعلب یعنی روباه که بدهن خود بط را گرفته شعر راس البرنیفی اصطرلال کرگدن ذباب الشالیه و چون کواکب آن بسیار کوچک تراند لهذا شرح آن نکرده‌اند+

فایده

فارسی			عربی		
بره	گاو	دومیکه	حمل	ثور	جوزا
خرچگ	شیر	خوشه	سرطان	اسد	سنبه
ترازو	گژدم	کمان	میزان	عقرب	قوس
بزغاله	دلو	ماهی	جدی	دلو	حوت

هندی			انگریزی		
میکهه	برکهه	متهن	رام	بل	ثونینس
کرکهه	سنگهه	کنتیان	کراپ	لنین	درچن
تولا	برچهیک	وهن	سکلیس	سکومین	اچر
مکر	کنبههه	مین	کوت	وابرپیر	فشز

مشک و خاصیت آن

آهوی مشک را بگیرند و دست بر شکم و اندامهای او مالند، تا خونی که در حوالی ناف او باشد بنافه شود. و چون سرد شود ببندد.

و چون معلوم شود که دیگر خون به آنجا نخواهد شد، نافه را بگیرند، و بیاورند، تا مدت یکسال.

و هر خون که پیش از کشتن او در نافه شود پاره‌های بزرگ باشد.

و هر چه قطره قطره در آنجا شده باشد، بچون شافهای بستهٔ محکم شده آنرا در میان مشک باز یابند.

و گفته‌اند که آن آهو که سنبل و بهمنین می‌خورد، مشک از آن تولد می‌کند.

اما انواع مشک، بهترین مشکها مشک ختنی باشد که از میان ولایت خطا آرند. از آن سبب کم به

دست آیـد و عزیـز الوجـود باشـد. نافـه‌ای از آن قریب پانزده مثقال برآید.

و از تنگی که پوست آن نافه را باشد بیش از یـک درم نبود به دست بتوان دانست که در انـدورن او، شافها هست یا نه. و چون مشک او بریزند پوست نافه نیم مثقال یا درمی بیش برنیاید.

و ظاهر پوست نافهٔ ختنی نسو باشد. و بر وی هیچ موی نبود.

و چون مشک ختنی خواهند که بسایند، اگر کافور به کار ندارند سر به درد آید، و خون از بینی روان شود، به روزی ده درم بیش نتوان سود، از حـدّت بوی آن. و جایی که دو مثقال از دیـگر مشـک بـه کار شود، از آن مشک ختنی دو دانگ بیشتر به کار نیاید.

و بعد از مشک ختنی مشک تبّتی از دیگر مشـکها بهتر باشد. و نافهای خرد بـود، نافـه بـه وزن سـه

مثقال تا چهار مثقال بیش برنیاید. و بر وی موی اندک بود. و مشک او بعضی زرد باشد، و بعضی سیاه بود و سیاه زرد را تفّاحی خوانند.

و سبب زردی آن باشد که تازه‌تر بود. و سبب سیاه آنکه کهنه‌تر باشد، چه خون تازه سرخ بود، و خون کهنه سیاه.

و بعد از آن مشک طوسمسی باشد. و این نوع به تبّتی نزدیک باشد. و موی نافهٔ آن سفید باشد، بعضی به زردی زند. یک نافه از آن به وزن هفت مثقال برآید.

بعد از آن بنیالی باشد. و آن مشک بیشتر ریخته فروشنده بی‌نافه. اما مشک نیک نباشد. و در او شافهای بزرگ بود.

و جایی که مشک تبّتی یک مثقال باید، از این مشک نیم مثقال تمام باشد، و آنرا از مشک تبّتی باز پس دارند. جهت آنکه ریخته فروشنده بی نافه.

بعد از آن مشک خطایی بود. که از سرحدّ خطا آرند. و به مشک ختنی ماند، که نافه او هم نسو باشد، و بی موی بود.

اما در قوت از تبتّی کمتر باشد. و با تبّتی بهم فروشنده و بهای خطایی کمتر باشد. از آنکه او ضعیف تر بود.

و بیشتر از مشک که در این زمان می‌آورند، بدین جانب خطایی است. و بعد از آن مشک هندی که از جانب هندوستان آورند، و بوی آن کم باشد، اما بیشتر از دیگر مشکها به کار دارند، سیاه رنگ بود. و در وی شیاف بسیار باشد، اما کمتر از خطایی بود.

و بعد از آن کشمیری باشد. و این نوع از همه انواع بدتر باشد. نافه ای به وزن ده درم برآید. که در او یک مثقال بیشتر نبود، و در او نیز شیاف باشد و پوستها بر هم پیچیده، و به کاری زیادت

نیاید، مگر عطاران آن را با مشک نیکو بیـامیزند و این اخس انواع مشک باشد.

امتحان مشک، آبگینه بر آتش نهند، و قدری مشک بر وی اندازند، اگر بوی مشک خالص آیـد، نیکـو باشد. و اگر بوی دیگر ظاهر گردد، مغشوش بـود. و نیز در سر داندان بخوانند و در رکونی گیرنـد، و بمالند، اگر رکو رنگین شود، و ثفلی بمـاند مشـک بود. و اگر همـه بـار کوحـل شـود و هیـچ نمـاند خیانت کرد ه باشند.

دیگر سر سوزن در سیر زند، و در سر نافـه زنـدَ، اگر بوی مشک دهد نیک است و اگر بـودی سیر دهد بد باشد.

و به نافه اعتبار نشاید کـرد، از بـهر آنکـه در نافـه خیانت می‌کنند به سوزن در وی می آگنند.

و اگر در نافه جو یا گندم یا بند «بدباشد» و مشک فروشان گویند آهو جو خورده است، دروغ گویند، آن نشان خیانت باشد.

و اگر خون یابند، دلیل آن باشد که نافه زود شکافته اند بیش از یک سال .

و اگر مشک سفید باشد، دلیل آن بودک ه نفاه نم یافته باشد. و مشک تباه شده. و خیانت مشک بسیار بود «احتیاط تمام باید کرد» .

خاصیت مشک، به زهرها سود دارد. و در داروها چشم کنند، و در مفرّحات به کار دارند، و در مزاجهای سرد استعمال کنند. و مضرت حدّت مشک به کافور دفع شود.

باز کردن مرده بسته

هر گاه خواستی مرد بسته ای را باز کنی باید بیاوری یک ورقه سفید و بر روی آن بنویسی طلسم زیر به زعفران و گلاب در آب شده و بخورد طالب داد.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

۶ ۱۱۹۴۱ ی ۷۶۲۱۱۷۸۱۶

۵۲۵۷۱۶۵۳۱۰۶۰۲۲۶۷۶۸۷۶۲

به اذن خدا فلان زاده فلان باز گردد

یا ۱۰۸۰۲،۱۰۲،۳۰۰ یا ۵۱۱۰۰ ۶۲۰۰

فایده

هر گاه خواستی شوهرت یا کسی از مکان خود حرکت نکند یا شهر دیگر سفر نکند باید طلسم زیر را بر روی ورقه آهن نوشته با میخ فولاد و بعد در منزل یا مکان مورد نظر دفن نمود.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

۸	۱	۶
۳	۵	۷
۴	فلان زاده فلان	۲

یا قاهر

زبان بندی

هر گاه خواستی با کسی صحبتی را در میان بگذاری و صحبت مورد قبول واقع گردد و خشنود بازگردی بیاور یک ورقه سفید و بر روی آن بنویس طلسم زیرا را با زعفران و گلاب و سپس در موم گرفته و در دهان بگیر و زیر زبان و نزد شخص برو و این عمل را باید در روز یکشنبه یا پنجشنبه در ساعت مشتری انجام داد.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

۱۱۱۲۱۱۱۱۱۱۱۱۸۰۸۸۲۱۱ و ۱۲

۱۱۱۲۱۱۱۱۱۱۱۱۸۵۸۲۱۱ و ۱۲

بسته گردد زبان فلان زاده فلان بر فلان زاده فلان

یا ۱۰۸۰۲۰۱۰۲۰۳۰۰ یا ۶۲۰۰۵۱۱۰۰

مردی که نطفه ندارد

هر گاه مردی نطفه نداشت و رنج می‌برد به اذان خدا و توکل بر او بیاورد یک ظرف بلوری یا چینی و با مشک و زعفران و گلاب و آب باران و مقداری تربت کربلا و قند عزیمت زیر را در روز ۱۸ (ماه شمسی) نوشته و بعد آب شسته بخورد.

و این عزیمت را باید نوشت ☜

بسم الله الرحمن الرحیم

فانظر الی اثار رحمة الله کیف یحیی الارض بعد موتها ان ذالک لمحیی الموتی یا حی یحیی نطفه ..... وهو کل شیء قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین یا شافی یا رحمان یا رحیم یا قاهر

عنبر و خاصیت آن

عنبر انواع است اما بهترین آن اشهت است. نیک سفید و به وزن سبک و چون بشکند میان او سفید باشد. و تو بر تو بود و چون چربی آن بسیار نبود، و بوی او بر بوی مشک غلبه کند.

و بعد از آن سلاهطی باشد. و آن ازرق و چرب است و بوی او بر بوی مشک غلبه بکند.

و بعضی از آن سفید بوده باشد. از جهت هوا سیاه شود. و چون بشکند خاک رنگ باشد، و اندکی به سرخی زند. وبعد از آن عنبر سیاه باشد و آن جز غالیه را نشاید.

امتحان عنبر، آبگینه بر آتش نهند، و عنبر بر وی اندازند. اگر بوی عنبر خاصل دهد نیکو باشد. و اگر بوی دیگر، با وی آمیخته بود مغشوش باشد.

و نشان عنبر خالص آن است که تمام گداخته شود. و بر روی آبگینه برود مانند روغن، و اگر

تمام گداخته نشود، مغشوش باشد. و گداخته را قدری در جامهٔ سفید مالند، اگر سبز نماید خالص است. والا مغشوش باشد.

و امتحان او چون امتحان مشک است و خاصیت او بسیار است.

کافور و خاصیت آن

درخت کافور و صندل در جزیره‌های سخت است و بیشه‌های باریک به زمستان چون برگ ندارد نمی‌توان شناخت. و تابستان نیز در آن بیشه‌ها مار بسیار بود. و ماران بسیار جهت خنکی خود را بر درخت می‌پیچند رفتن به آنجا ممکن نیست و تابستان به سر کوهها روند. و تیر به آن درخت که شناخته باشند اندازند، جهت نشان. پس چون زمستان رسد به آنجا شوند. هر کس تیر خود در درختی باز یابد آن درخت از آن او باشد.

و چوب درخت کافور چوبی بود سفید و به سرخی زند. و زود شکن باشد. و کافور مانند صمغی باشد در میان آن چوب و بیرون نیاید. چون بشکافند کافور از آن میان بیرون آید. و آنچه از میان چوب بیرون توانند کرد بیرون کنند. و بعد آن چوب را بجوشانند و از آب کافور معمول به تصعد حاصل کنند. آنچه از میان چوب بیرون ریزد، آن را ریاحی خوانند.

و آنچه از او به تصعید بیرون کنند فیصوری گویند. و از آن جمله سپیدی بود که با زردی زند. و انواع دیگر باشد. اما ریاحی و فیصوری یک من به سیصد دینار بخرند. و معمول یک من به پنج دینار بخرند.

در کافور خیانت بسیار کند، نیک احتیاط باید کرد.

امتحان کافور در آبگینه کنند، و بر آتش نهند اگر تمام گداخته شود خالص باشد. و اگر چیزی بماند، خیانت کرده باشند.

و بر طعم و بوی اعتماد نشاید کرد. و آنکه پاره‌های محکم که به دست مالیده نشود کافور خالص باشد.

محافظت کافور آن است که از هوا و باد نگه دارند. در شیشه یا موضعی استوار باید کرد، و قدری جو با آن بیامیخت که ممکن باشد. که از هوا تحلیل یابد. و مضمحل و متلاشی گردد.

خاصیت و منفعت کافور، کافور حرارت را بنشاند. و در زهرهای گرم سود دارد به غایت. و در آبله و جوشش که در چشم پدید آید به کار دارند. و بویهای گرم به آن اعتدال گیرد. و قوت باء را ضعیف کند. و اگر بر مرده پرا کنند مدتی مدید بر آن هیأت و صورت بماند.

صندل و خواص آن

انواع صندل بسیار است. و بهترین صندل نوعی باشد که به زردی نزدیک باشد و سفید بود. و محکم و چرب و زرد و نسو مانند عود.

و بعد از آن نوعی باشد سرخ. و آن جز طلی را نشاید. و آلات شطرنج و نرد و غیرهم از آن سازند.

خاصیت صندل دردسر که از گرمی بود طلا کنند سود دارد. و معدهٔ گرم را قوت دهد. و حرارت به اعتدال آورد.

زعفران و خاصیت آن

زغفران در بسیاری از مواضع باشد. گل کبود رنگ دارد. در آخر فصل خریف شکفته شود. و بهترین زعفران قهستانی و بادغیسی و جاستی بود. که به غایت سرخ و خوش رنگ و تیز بوی بود و بر

ریشه‌های او اندک مایه سفیدی باشد. و باید که تازه بود.

خاصیت زعفران بسیار است، در داروها و عطرها و رنگ‌ها و غذها و حلواها به کار دارند، دل را قوت دهد، و نشاط بسیار آورد. بسطی با فراط دارد، و به غایت نیکو باشد.

فایده

هر گاه خواستی راه بروی و هرگز خسته نشوی باید عزیمت زیر را به زعفران و گلاب نوشته بر روی یک ورقه سفید و سپس آنرا بر پا بسته و راه برود و باید این عمل را در ساعت مشتری انجام داد.

و این عزیمت را باید نوشت

بسم الله الرحمن الرحیم

العظمه الله العزه القدره الله القوه امنه الله فلان زادفلان

یا ۲۳۰۰ ۱۰ ۲۰ ۸۰ ۱۰ یا ۱۱۰۰ ۵ ۶۲۰۰

فایده

نگین انگشتر

هر گاه خواستی به هر کجا که روی عزیز و محترم شوی و حاجتت روا شود طلسم زیر را بر نگین انگشتریت حک کن در ساعت و زمان مناسب و سعد باشد و این طلسم را باید حک کرد

۷۸۶

ی ۱۱۹۱ / ۳ ۱ آ ۷ ۸ / ۸۸۶ ز ن ۶۱۶

یا عزیز یا رحیم یا کریم یا باسط یا مغنی

یا شکیفی یا قاهر

محبت

هرگاه خواستی کسی را ازمحبت و عشق بیقرار گردانی بیاور یک عدد تخم مرغ تازه محلی که نور آفتاب به آن نتابیده باشد و بروی آن بنویس عزیمت زیرا و بعدآنرا در پارچه سفید کتانی که آب نخورده باشدپیچیده و بعدآنرا در نیمه شب در آتش قرار داده تابسوزد و بعد لاشه آن را در جلو درب منزل مطلوب دفن می کنی.و این عمل را باید در روز پنجشنبه درساعت مشتری یا زهره انجام داد و با زعفران وگلاب نوشت و درمکانی خلوت و پاک این عمل را انجام داد

واین عزیمت رابایدنوشت.

۷۸۶

بنوش ۳ مرتبه طراش ۳ مدارش ۳ کنش ۳ مدش ۳ بحق هذه الاسماء یا معشر الارواح الروحانیه اوقدو النار فی فرج فلان زاده فلان لا ترح و لا تسترح حتی تری و جه فلان زاده فلان

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور یک عدد سفال آب ندیده و بر روی آن بنویس طلسم زیر را و بعد آنرا در آتش قوی بگذار به مدت ۲۴ ساعت و این عمل را باید در روز یکشنبه ساعت شمس انجام داد و بخور کرد هنگام نوشتن به صندل سرخ و کندر و مقبل ارزق و با طهارت باشی.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

فلان زاده فلان علی حب لشریه فلان زاده فلان گردد

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۳۰۰ ۲۰ ۱۰ ۲۰ ۸۰ ۱۰

بخت گشایی

هر گاه خواستی برای کسی تعویذ بخت گشایی بنویسی باید این عمل را در روز یکشنبه ساعت شمس و اول ماه انجام داد و بعد عزیمت زیر را بر روی یک ورقه سفید یا پوست آهو نوشته به زغفران و گلاب و طالب آنرا در گردن نگه دارد.

و این عزیمت را باید نوشت

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انی اسئلک من فضلک و رحمتک تانما بیدک لا یملک احد غیرک صلی الله علی محمد و آله اجمعین یا ارحم الراحمین گشود بخت فلان زا فلان به اذن الله

یا شکیکفی یا قاهر

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردای بیاور یک عدد تخم مرغ محلی تازه و بر روی آن بنویس طلسم زیر را به زعفران و گلاب و این عمل را باید در روز پنجشنبه در ساعت مشتری انجام داد و هنگام نوشتن بخور کرد به صندل سرخ و مقبل ارزق و با طهارت باشی و در آن مکان هیچ کس وجود نداشته باشد بعد و نیمه شب تخم مرغ را در آتش گذاشته و بعد لاشهٔ تخم مرغ را در جلو درب منزل مطلوب باید دفن کند. فقط در امر حلال اجازه داده شد.
و این طلسم را باید نوشت ^۲۱^

۷۸۶

یا ۱.۲.۳.۵ یا ۱.۲.۳.۵

ط ۶۸۱۸۸۸۹۱۱ ۱۱۱ ۸

فلان بن فلان علی حب لشدید و عاشق و بیقرار فلان زاده فلان گردد بحق هذه الطلسم.

۱۱ ط ۱۸۱ هـ ۱

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۱.۲.۳.۵ یا ۱۰۸۰۲.۱۰۲.۳۰ یا ۱.۲.۳.۵

زبان‌بندی

هر گاه خواستی زبان به گویان را بر روی خود یا کسی ببندی به اذن خدا باید ورقه‌ای سفید یا پوست آهو آورده و بر روی آن طلسم زیر را نوشته به زعفران و گلاب و در ساعت شمس و سپس همراه خود نگهه دارد.

و این عزیمت و طلسم را باید نوشت

۷۸۶

یا ودود یا ودود یا ودود یا ودود

یا فتحا لا یمایریدی یا ذالعرش المجید اسئلک

بنورک وجعلک الکریم واسملک العظیم العظیم العظیم

۱۱۱ ۷ ۱۱۱ ۱ا‌ط ۷۲ ۱۱۱ لهم

علیما هیه اهیا شراهیاً اذونی اصوث ای شراتی و بحق

توراته وانجیل و زبور و فرقان و صحف انبیاء و سهلهه

اجمعین و لا حول و لا قوه الا بالله علی العظیم هذا یوم لا

ینطقون و لا یودزق لهم فیقذرون ۴۶۰۴۱۴۲

بستم زبان ـــــ در حق ـــــ

یا شکیکی یا تماهی

زبان بندی

هر گاه خواستی با کسی صحبتی را در میان بگذاری و آن شخص از محبت و علاقه به صحبتهای تو گوش کند و مطیع گردد باید طلسم زیر را بر روی یک ورقه سفید نوشته به زعفران و گلاب سپس آنرا در موم گرفته و زیر زبان بگذار و بعد با شخص مطلوب صحبت کن و این عمل را باید در ساعت مشتری روز یکشنبه یا پنجشنبه انجام داد و هنگام نوشتن صندل سرخ و کندر بخور کرده و با طهارت باشی و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

۱۱ ۹ ۱۱۱ ۱۲

و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون

بستم زبان فلان ز فلان

یا ۳۰۰۲۰۱۰۲۰۸۰۱ یا ۱۰۰۱۵۰۰۲۶

محبت

هر گاه خواستی کسی را ازمحبت و عشق بیقرارخود گردانی در زمانی که ماه ۱۴ باشد و هلال کامل بود در نیمه شب ساعت ۳ را شروع بسوزاندن بخور به کندر و صندل سرخ کرده وکلمه مربوط را۱۱۰ مرتبه تکرار می کنی وبعد یک مرتبه عزیمت زیر را می‌نویسی و این عمل را ۱۱ مرتبه کلا انجام می‌دهی

واین کلمه را باید ۱۱۰ مرتبه خراند

یا عنقود

واین عزیمت راباید۱ مرتبه خواند

بسم الله الرحمن الرحیم

علیک یا عنقود بحق الیمان و العهود و الدواب السود و التوراه المنزله علی الیهود و بقدره عالم الغیوب و بالاسم الذی یخرج له الما من الحجر الجلمودها لاکناس لاکلیس اکتونا التوثااهاه توکل یا عنقود بجلب یا عنقود فلان زاده فلان حضروا ایتها التوابع و اتونی من تونس منتکاش شریونیه مریونیه بحق هذه الاسماء علیکم ان تجلبو فلان زاده فلان.

محبت

هر گاه خواستی کسی را ازمحبت وعشق بیقرار خود گردانی بیاور ۲۱ تکه ورق سفید وبروی هر کدام بنویس عزیمت زیر را بر روی هر کدام بخوان ۲۱ مرتبه سوره الفیل را و در داخل هر کدام بگذار ۳ تکه سوسن لبان و ۳ مرتبه عدد فلفل سفید وبعد تکی تکی درآتش قوی می اندازی تابسوزند واین عمل راباید در روز یکشنبه درساعت شمس انجام دادو بخور هنگام این عمل صندل سرخ و کندرمی باشدودرپایان باید ۱۰۰ مرتبه صلوات بِرروح پیغمبرفرستاده شود.

واین عزیمت رابایدنوشت

۷۸۶

اروش ۳ مرتبه شمارش ۳ کهکه ۳ کروب ۳ مغطش ۳ مرتبه۵ ۶ ۵۳۰۳۰۱ فوق عرشه توکل یا هیم ۳ یا بن المامه ۳ بحرق قلب فلان زاده فلان علی حب الشدید و عاشق فلان زاده فلان گردد.

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳

یا ۱۰۸۰۲۱۰۲۳۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور یک عدد سفال آب ندیده و بر روی آن بنویس طلسم زیرا و سپس آنرا ۲۴ ساعت در آتش گذاشته و بعد بیرون آورده و خرد کرده و سر راه مطلوب بریزد و این عمل را باید در اول ماه روز یکشنبه در ساعت شمس انجام داد و با طهارت باشی و در پایان کار ۱۰۰ صلوات و یک فاتحه بر روح پیغمبر فرستاد و بر روی آتش ۴ مرتبه قل هو الله را کامل خواند.

و این طلسم را باید نوشت

۷۸۶

طغوال ۳ مغیال ۳ دعینال ۳ القط ۳

فلان زاده فلان علی حب لشدید

۱۳۳۳۶۳۸۷۴۳۸۶۴۳۳۳ ۹

ا ح ا ۱۱ ۹ ۷ ۷ ۴ ۴

يفطهطلطبع ٣ غيطلطوغ ٣ طعغوغط ٣ عطعطيعطال ٣ طغوال ٣ القوا ٣

يا خادم هذه الاسماء بمحبه لشديد فلان زاده فلان على فوقلب فلان زاده فلان

١٠٢٠٣٠٠ يا ١٠٨٠ يا ٥١١٠٠

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار گردانی بیاور ورقه ای سفید رنگ و بر روی آن بنویس عزیمت ذیل را و این عمل را باید در روز پنجشنبه ساعت اول مشتری ۱ بعد از ظهر انجام داد و بخور کرد هنگام این عمل صندل سرخ و لبان و مقبل ارزق می باشد و بعد از نوشتن ورقه را بر شاخه درخت آویزان کرده تا باد او را تکان بدهد و سپس ۲۱ مرتبه مجدداً عزیمت را بر روی آن درخت و دعا آویزان شده می خوانی و بخور می سوزانی.

و این عزیمت را باید خواند و نوشت.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

و هو این میمون القمام این میمون السباق این میمون الغواص توکلوا بخیف عقل فلان زاده فلان الی محبه فلان زاده فلان بحق امیر ابن یعقوب الحمر ابن الدین یطایرون شرور الحدید ابن الذین یهدمون القصور و یخوضون البحور و یوسوسون فی الصدور ان کنتم فی السماء فانزلوا وان کنتم فی الارض

تاخرجوا اینما تکونوا یات بکم الله الی قدیر اجب یا طیکل المتعمم بالثعبان اجب یا قسوره اجب یا کمطم الذی عمامته مکلله بالدر و الیاقوت این میمون الاسود این میمون الازرق این شمهورش الطبال توکلوا بخطف عقل فلان زاده فلان الی محبه فلان زاده فلان اسرع من البرق فی طرفه عین یرسل علیکما شواظ من نار نحاس فلا ینتصر ان توکل یا مذهب بعینه و انت یا مره بلسانه وانت یا احمر بقلبه یا میمون بمفاصله و انت یا برقان بیدیه الف منکم علی یمینه و الف منکم علی شماله لا ینام و لا یستریح حتی یاتی الی فلان زاده فلان بالف لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم

احضار موکل

هر گاه خواستی احضار موکل کنی که تـو را در امورات زندگی و کارها یاری کند بـاید ۷ روز را روزه گرفته در مکانی خلـوت و بـی صدا و دور از مردم باشی و باید اجازه گرفته باشـی و در ایـن مـدت نـان جـو و نمـک بخوری و عزیمت زیـر را بعـد از هـر نماز ۱۰۰۰ مرتبه می‌خوانی و در تمام مدت بخور بسوزان به مشک و مستکی ـ سوسن لبـان و هنگامی که احضار شد

اصلاً نترس و به او سلام بده و صحبت بکن

و قرارها را بگذار و بعد از منزل خارج شـــو

و باید اسرار را فاش نکنی.

و این عزیمت را باید ۱۰۰۰ مرتبه خواند ☚

أصبازرت ۲ ماخ ۲ تـــوخ ۲ لکبیـش العجـل

ایتونی بصرموح ابن مره.

محبت

هر گاه خواستی کسی را از عشق و محبت بیقرار گردانی بیاور یک عدد میخ فولاد و یک تکه از لباس مطلوب را و تکه لباس را به دور میخ پیچیده و سپس آن را در داخل خاکستر بزرگ از آتش گذاشته و طوری که میخ کاملاً داغ داغ شود و بعد بر روی میخ بخوان عزیمت زیر زا ۲۱ مرتبه و بعد از آنکه داخل خاکستر نیز گذاشتی مجدداً ۲۱ مرتبه تکرار می کنی و هنگام این عمل در زمانی است که شب ماه کامل باشد یا در روز یکشنبه ساعت شمس باید انجام داد و بخور هنگام این عمل صندل سرخ و عود خوشبو و حنا و کندر می باشد .

و این عزیمت را باید ۲۱ مرتبه خواند .

بسم الله الرحمن الرحیم

یا مسمار یا مسمار یا محطوط فی لهیب النار تکون قوی و شدید و تکون اشد من الحدید بعتک فی مشوار مش بعید بعتک لکذا تضربها علی راسها و تلالا اضراسها و تلقلق انفسها و تضایق انفاسها و تخلوها تزعق فی محبه فلان زاده فلان کما زعقت امها

علی حلاصها حتی تقول یا سلام یا سلام ینام الصار والصرصار والطیر فی الاشجار و السمک فی البحار والدود فی الجفان و الحاقاها علی راسیه سیدنا سلیمان علیه السلام (باجابه سیدنا سلیمان) ۳ مرات (تخلوافلان زاده فلان لا تخشع و لا تنام عن محبه فلان زاده فلان حتی تاتی الیه خاضعه ذلیله الوحا ۳ العجل ۳ الساعه ۳

واین طلسم را باید بر روی میخ نوشت

۷۸۶

کو ۱۱ ع کو ۱۱ ع

فلان زاده فلان علی حب لشدید و عاشق و بیقرار فلان زاده فلان گردد

یا ۱۰۸۰۲۱۰۲۳۰۰

محبت

هر گاه خواستی کسی را از محبت و عشق بیقرار خود گردانی بیاور قطعه ای پوست آهو و بر روی آن بنویس عزیمت زیرا ۷ مرتبه به زعفران و گلاب در روز پنجشنبه در ساعت مشتری و سپس آنرا همراه خود گذاشته در بازوی خود و بسوی مطلوب برود و هنگام نوشتن باید بخور کند به صندل سرخ و مقبل ارزق و در پایان کار ۱۰۰ صلوات و یک فاتحه بروح پیغمبر هدیه کند.

و این عزیمت را باید ۷ مرتبه نوشت

بسم الله الرحمن الرحیم

هلهلا۳ اهیلا۳ شمیخ ۳ ولیح۳ کل۳ و ایلا۳ هلک ۳ هنطلک ۳ میلا۳ ارهیلا۳

توکلوا یا خدام هذه الاسماء به محبه فلان زاده فلان علی بیقرار و عاشق فلان زاده فلان گردد.

الوحا ۳ العجل ۳ الساعه ۳

یا ۱۸۰۲۱۰۲۳

جن گرفته

هر گاه بر شخصی جن تسلط یافته بود و در جلد او رفته و او را دیوانه کرده و از حالات عادی خارج کرده بود وخواستی او را اصلاح و درمان کنی. باید بیاوری ورقه‌ای سفید و با خون کبوتر سفید عزیمت زیررا را نوشته در ساعت مریخ روز سه شنبه و غروب هنگام آن را دفن مقبل ارزق و نگران نباش به امید خدا اصلاح می‌شود.

و این عزیمت زیر را باید نوشت ☜

بطیوش بطیوش مبطوش مطبوش لیطیوش عطلیوش عطلیوش تسلطوا یا ایها الاعوان علی کذا واضربوه بالحراب و الدبایس و آرعبوه و أسقوه.

محبت

هرگاه خواستی کسی را ازمحبت و عشق بیقرار گردانی بیاور ۳ عددورقه سفید رنگ و به هر کدام جدابنویس عزیمت زیر را به زعفران و گلاب و این عمل را باید در روز یکشنبه ساعت شمس انجام داد و اول ماه بهتراست وهنگام نوشتن بخور کردبه کزبره وصندل سرخ و کندرودرپایان کار ۲۵۱ صلوات بر روح پیغمبر هدیه نمود و در مکانی خلوت و پاک و با طهارت باید انجام داد.

واین عزیمت رابایدنوشت ☜

بسم الله الرحمن الرحیم

ایتها الارواح الروحانیه و الاکرام الطین اقست علیکم بالذی خلقکم و صورکم و عدلکم فی ای صوره ما شاء رکبکم الا ما سمعتم کلامی و اقلبلتم دعوتی و عطرتم مجلسی و ابرء تم قسمتی و الغمتم علی بالسمع و الطاعه و کشفتم حجاب القدره التی یبنی و بینکم و اطیعونی فی السر و الجهر و لکم فی عهد الله لا ارید منکم الا حاجه رضاها الله اقست یا نوح ۳ مرتبه انوج

۳ انوخ ۳ نوخ۳ کهوب ۳ عجاج ۳ صیاح ۳ صیاخ ۳ اقبل یا کشفیائل ۳ و خدامک من الروحانین.

یا شکیکفی یا قاهر

طلب اولاد ذکور

هر گاه شخص طلب اولاد پسر داشت باید شوهرش زمانی که احساس کرد که خانمش باردار است وضو گرفته و قرآن بیاورد و سوره قدر را ۷ مرتبه بخواند و دست راست را بر روی شکم زنش سمت راست بگذارد و بخواند و خانم نیز با طهارت باشد و ۷ هدیه به ۷ فرزند سید بدهد. کفاره نیز باید داد.

روا شدن حاجت

هر گاه خواستی نزد حاکمی بروی یا به جایی برویی و حاجتت روا گردد طلسم زیر را بر روی ناخن دستت نوشته و بعد حرکت کن و در ساعت مشتری باید نوشت:

و این طلسم را باید نوشت ☜

۷۸۶

٥٥١١٥٥٥٥١١٥٥ ک ٢٥٥١ لےر عدمهر آ١١ ع

فلان زاده فلان

یاشکیکنی یا قاهر

طبع انسانی آتشی

انسانهایی که آتشی هستند افراد همیشه دمای بدنشان زیاد است آنها افرادی هستند تند خوی زود بجوش می‌آیند و سریع تحریک می‌شوند و سریع خاموش می‌شوند و افرادی عصابی به حساب می‌آیند و این افراد لجباز می‌باشند و باید در برخورد با افراد آتشی ملایم برخورد نمود تا آنها مجذوب خود گردند و این افراد همیشه به فکر این هستند که سریع به پست و مقام برسند و هرگز کینه به دل نگه نمی‌دارند و هنگامی که به هدف نرسند سریع خشمگین می‌شوند.

طبع انسانی خاکی

انسانهایی که خاکی هستند افرادی مخلص، مهمانواز و صادق و درستکار و هر طور که با آنها برخورد کنی جواب می‌دهند و هنگامی که عصبانی شوند یکباره همه چیز را به هم می‌زنند و این افراد همیشه مقرراتی و خشک با مسائل برخورد می کنند و پشتکار فراوان دارند و همیشه در آخر عمر به همه چیز می‌رسند و کامیابی‌های زیادی بدست می‌آورند و دارای رزق و رشد و ترقی می‌باشند و با تمام قشرهای جامعه صمیمی می‌شوند و همیشه خشم و نگرانی را در دل نگه می‌دارند و همیشه به اطرافیان خیر و برکت و منفعت می‌رسانند و همیشه پل ترقی دیگران و افرادی رئوف و مهربان و غریب نواز می‌باشند و افرادی قانع هستند و از مریضی شکم رنج می‌برند و از مریضی سردی رنج می‌برند.

طبع انسانی بادی

انسانهایی که بادی هستند افرادی شوخ و مغرور و تند مزاج می‌باشند و انسانهایی که بادی هستند و قادر به انجام کارهای بسیار مهم و بزرگ هستند و دقت عمل بسیار دارند و در نقشه‌کشی و حیله‌گری نظیر ندارند و هیچ وقت خط مشی این افراد مشخص و معلوم نیست هر گاه که بخواهند در هر سمت و هر هدفی حرکت می‌کنند و به مقصود می‌رسند و بر طبع دیگر پیروز می‌شوند و افرادی خوش گذران و عیاش و خیال‌پرداز می‌باشند و در هر کاری ابتکار به خرج می‌دهند. و همیشه در بین مردم طوری رفتار می‌کنند تا مورد توجه قرار بگیرند و دیگران را مجذوب خود می‌کنند و زیبا چهره هستند و قدر مال دنیا را نمی‌دانند.

طبع انسانی آبی

و انسانهایی که آبی هستند افرادی قناعت پیشه و میانه‌رو هستند و مال و ثروت زیاد جمع می‌کنند و افرادی زحمت‌کش و خوش‌باور هستند این افراد کم شانس بوده و در زندگی با حسرت فراوان برخورد می‌کنند و بعد عاقبت بخیر می‌شوند.

فایده

هر گاه نزد شما آمدند و در مورد گم شده‌ای سئوال کر:ند و خواستی جواب بدهی که او به کدام سمت رفته باید حساب کنی.

اول نام ــــــ نام مادر ــــــــ را به ابجد کبیر درآورده و بعد بر چهار تقسیم می کند.

اگر یک باقی ماند سمت شرق رفته است.

اگر دو باقی ماند سمت شمال رفته است.

اگر سه باقی مانده سمت جنوب رفته است.

اگر چهار باقی ماند سمت غرب رفته است.

هر گاه خواستی طالع و طبع و فلک او را بشناسی:

نام ـــــ و نام مادرش ـــــ را بر ۱۲ تقسیم کن.

اگر یک باقی بماند طالع برج او حمل کوکب مریخ طبع آتشی

اگر دو باقی بماند طالع برج او ثور کوکب زهره طبع خاکی

اگر سه باقی بماند طالع برج او جوزا کوکب عطارد طبع بادی

اگر چهار باقی بماند طالع برج او سرطان کوکب قمر طبع آبی

اگر پنج باقی بماند طالع برج او اسد کوکب شمس طبع آتشی

اگر شش باقی بماند طالع برج او سنبله کوکب عطارد طبع خاکی

اگر هفت باقی بماند طالع برج او میزان کوکب زره طبع بادی

اگر هشت باقی بماند طالع برج او عقرب کوکب مریخ طبع آبی

اگر نه باقی بماند طالع برج او قوس کوکب مشتری طبع آبی

اگر ده باقی بماند طالع برج او جدی کوکب زحل طبع خاکی

اگر یازده باقی بماند طالع برج او دلو کوکب زحل طبع بادی

اگر دوازده باقی بماند طالع برج او حوت کوکب مشتری طبع آبی

هر گاه کسی هنگام صبح سحر متولد شود

او فردی باشد با ایمان و در تمام امور زندگی همیشه پیروز است و به درجه و مقام بالایی می‌رسد و صاحب ثروت و مال فراوان می گردد.

۲) هر گاه کسی هنگام طلوع خورشید متولد شود:

او فردی باشد در جمیع امور و هر کاری طالب می‌شود و اشتیاق به هر عملی دارد برای یادگیری و ذهن پر استعدادی دارد.

۱) هر گاه کسی هنگام قبل از ظهر متولد شود:

او فردی باشد پر رزق و روزی و با سختی و مشقت فراوان کار می کند

۲) هر گاه کسی هنگام ظهر متولد شود:

او فردی باشد که در بین مردم مشهور پر هیبت باشد و در ظاهر بسیار عالی برخورد می کند و در بین مردم چنان می‌باشد که گویی از خانوادهٔ بزرگ مرتبه و والایی می‌باشد.

۳) هر گاه کسی هنگام عصر متولد شود:

او فردی باشد خوش شانس و با بخت و اقبال بلند و در بین مردم و خویشان همیشه عزیز و محترم باشد و صاحب ثروت و مال فراوان می‌شود.

۴) هر گاه کسی هنگام غروب متولد شود:

او فردی باشد خیال پرداز و سریع راضی می‌شود و لجوج می‌باشد و زور عصبانی و غضبناک می‌شود و دارای مال و ثروت فراوان می‌شود.

۵) هر گاه کسی هنگام اول شب بدنیا بیاید:

او فردی مهربان و رؤف است و پاک دامن و مومن و معتقد به دینَ و آخرت و در کارهای صحیح مشغول می‌باشد و در زندگی میانه‌رو و متواضع و فروتن است و همیشه با ترس از خدا به عبادت مشغول است و همیشه پاک دامنی را پیشه و وصلهٔ خود می‌کند.

هر گاه خواستی بدانی غایب یا مسافر چه احوالی دارد.

نام مادر ـــــ و نام مادرش ـــــ به ابجد کبیر گرفته و

بر ۴ تقسیم می کنی:

اگر یک باقی بماند به کار مشغول می‌باشد.

اگر دو باقی بماند در زندان یا مریض با رنج بسر می‌برند.

اگر سه باقی بماند بر معاشرت با دوستان و شادی بسر می‌برد.

اگر چهار باقی بماند با خوشحالی به زودی باز می گردد.

اگر خواهی بدانی زن زود می‌میرد یا مرد زود می‌میرد.

نام ـــــ زن و نام مادرش ـــــ را به ابجد کبیر گرفته.

نام ـــــ مرد و نام مادرش ـــــ را به ابجد کبیر گرفته.

و بعد ۲۰ عدد به آن اضافه کرده و بر هفت تقسیم کرده:

اگر فرد باقی بماند زن زود بمیرد.

اگر زوج باقی بماند مرد زود بمیرد.

هر گاه خواستی بدانی گمشده پیدا می‌شود یا نه؟
نام گمشده ـــــ نام مادر ـــــ و نام آن ماده ـــــ
را به ابجد کبیر گرفته و بعد بر ۳ تقسیم می کنی.
اگر یک باقی ماند دیر پیدا می‌شود.
اگر دو باقی ماند زود پیدا می‌شود.
اگر سه باقی ماند اصلاً پیدا نمی‌شود.

هر گاه خواستی بدانی که چیزی که گم شده پیدا می‌شود یا نه ؟

نام ـــــ گم شده (شئی یا انسان یا هر چیز دیگری که گم بود) و نام آن روز ـــــــ را به حساب ابجد کبیر گرفته و بر ۲ تقسیم می کند.

اگر یک باقی ماند پیدا می‌شود.

اگر دو باقی ماند پیدا نمی‌شود.

اگر خواستی بدانی گم شده را آشنا یا غریبه برده است.

نام گمشده را تقسیم بر ۳ کرده و بعد:

اگر یک باقی ماند از افرادی که تردد در خا نه دارند باشد و میان خانه است.

اگر دو باقی ماند آزاد است.

اگر سه باقی ماند بیگانه است.

هر گاه خواستی بدانی بین دو نفر دوستی یا دشمنی واقع می‌شود:

نام ـــــ نام مادر ـــــ هر دو را به ابجد کبیر گرفته و بعد از جمع بر ۳ تقسیم کن.

اگر باقی مانده یک شود با هم دوست باقی می‌مانند.

اگر باقی مانده دو شود با هم دشمن باقی می‌مانند.

اگر باقی مانده سه شود با هم میانه باقی می‌مانند.

هر گاه خواستی بدانی دزد چه رنگی بوده است :

نام صاحب مال باخته ـــــ و نام مادرش ــــــــ را به ا

بجد کبیر گرفته و تقسیم بر ۳ می کنی.

اگر یک باقی بماند رنگ دزد سیاه پوست بوده است.

اگر دو باقی بماند رنگ دزد زرد پوست بوده است.

اگر سه باقی بماند رنگ دزد گندم گونه بوده است.

هر گاه خواستی بدانی کسی به چه علت مریض شده است.
نام ـــــ نام مادرش ـــــــ را به ابجد کبیر گفته و بعد ۱۰ عدد به آن اضافه کرده و بعد بر ۷ تقسیم می‌کنی.

اگر یک مانده علت از جن باشد (در وجودت رخنه کرده‌اند).

اگر دو ماند علت از باد باشد.

اگر سه ماند علت از سحر و جادو باشد.

اگر چهار مانده علت از چشم زخم است.

اگر پنج ماند علت از خون کثیف است.

اگر شش ماند علت از صفرا و رطوبت است.

اگر هفت ماند علت از سودا و بلغم است.

هر گاه خواستی بدانی زن نتیجه حملش چه می‌شود؟

نام ــــــ نام مادرش ــــــ را به ابجد کبیر گرفته و نام آن روز را هم نوشته و به ابجد کبیر تبدیل و با هم جمع کرده و بعد بر ۴ تقسیم می کنی.

اگر باقی مانده یک شود پسر است.

اگر باقی مانده دو شود دختر است.

اگر باقی مانده سه شود سقط شود.

اگر باقی مانده چهار شود دوقلو باشد.

هر گاه شخصی آرام و قرار نداشت و بی طاقت و تند خو بود بدان که در جسم آن جن رخنه کرده است.

هر گاه شخصی سریع عصبانی شده و فریاد او بسیار بلند بود و غیر قابل تحمل بود و اشیاء را می‌شکست و همچون دیوانگان برخورد کرد بدان که در وجود او دیو رخنه کرده است.

هر گاه شخصی ناراحتی خود را پنهان می‌کرد و در تنهائی گریه و ناله می‌کرد و در ظاهر شاد بود بدان که پریان در او رخنه کرده است و برایش مشکل ایجاد کرده‌اند.